

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال یازدهم شماره ۴۱ بهار ۱۳۹۵

مقایسه سبک‌های هویتی، معنای زندگی و تحول اخلاقی در بین افراد مجرم و غیرمجرم

پرویز کریمی ثانی^۱

حسین رستمی^۲

مریم حداد فرید^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های هویتی، معنای زندگی و تحول اخلاقی افراد مجرم و غیرمجرم انجام شد. جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر شامل کلیه زندانیان مجرم و پرونده‌دار ساکن در زندان مرکزی شهر تبریز بود. نمونه پژوهش ۶۲ نفر زندانی بود که به صورت در دسترس انتخاب شدند. همچنین ۶۲ نفر از افراد بهنجار به عنوان افراد مورد مقایسه انتخاب شدند. تحقیق حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای است. برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه از آزمون تحول اخلاقی ما، پرسش‌نامه سبک‌های هویتی بنیون و آدامز و پرسش‌نامه معنی در زندگی ماهولیک و کرانباخ استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل واریانس چندمتغیره و تحلیل تشخیصی استفاده شد. نتایج نشان داد افراد مجرم نسبت به افراد عادی از سطح تحول اخلاقی پایین‌تری برخوردارند. همچنین نتایج نشان داد افراد مجرم نسبت به افراد عادی سبک‌های هویتی متفاوتی دارند. از سوی دیگر نتایج نشان داد افراد مجرم نسبت به افراد عادی معنای کمتری را در زندگی خود احساس می‌کنند. به طور کلی سطح تحول اخلاقی، معنای زندگی و سبک هویتی افراد مجرم و غیرمجرم با هم تفاوت دارد.

واژگان کلیدی: سبک‌های هویتی؛ معنای زندگی؛ تحول اخلاقی

Email:rostamipsycholgoy@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی روانشناسی بیمارستان تخصصی الغدیر

۳- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

مقدمه

جوامع بشری از بدو پیدایش خود با مشکلات عدیده‌ای چون قحطی، رکود اقتصادی، افزایش مرگ و میر، افزایش اعتیاد و ... مواجه بودند و تلاش‌های زیادی هم در جهت رفع و یا کاهش آنها انجام داده‌اند. در این میان افزایش جرم و بزهکاری به‌عنوان یکی از این مشکلات نه تنها با پیشرفته‌تر شدن کشورها کاهش نیافته بلکه روند رو به رشد نیز نشان داده است. طبق آماری که شاموکی^۱ بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۷ در شهرهای مختلف جهان چون لندن و پاریس و شیکاگو تهیه کرد نشان داد که همیشه جرایم و انواع آن رو به افزایش بوده است (حکمت، ۱۳۷۰).

طی چند دهه اخیر، شیوع جرم در کشورهای مختلف رو به فزونی است و این روند نگرانی مداوم مسئولان کشورهای جهان را برانگیخته است (پالاهنگ، وکیل‌زاده و دریس، ۱۳۸۱). طبق گزارش سازمان ملل در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ سالانه به طور متوسط ۵ درصد بر میزان جرائم در سطح جهان افزوده شده که بیش از میزان رشد جمعیت است (شامبیانی، ۱۳۷۸؛ میزا احمدی، ۱۳۷۹).

آیزنک (۱۹۷۰) معتقد است وراثت در مستمر کردن زمینه برای ارتکاب جرم و کج رفتاری نقش مهم و احتمالاً حیاتی را ایفا می‌کند اما در عین حال به عوامل محیطی جرم نیز توجه دارد. به‌نظر آیزنک انگیزه نخستین انسان لذت‌جویی و دردگریزی است، از این‌رو اراده آزاد انسان و خردورزی او را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده رفتار آدمی نمی‌پذیرد و متناسب کردن مجازات با بزهکاری را نیز در کاهش جرم و جنایت بی‌تأثیر می‌داند زیرا که لذت‌جویی در بیش‌تر موارد آنی است و به گذشت زمان احتیاج ندارد در حالی که مجازات در آینده در انتظار فرد است و به‌خاطر این شکاف زمانی میان کج رفتاری که لذت‌جویانه است و مجازات که رنج‌آور است کج رفتاری تکرار می‌شود و مجازات نمی‌تواند تابع کج رفتاری گردد و علاوه بر این امکان پنهان ساختن بسیاری از کج رفتاری‌های گریز از مجازات نیز وجود دارد (نقل از: شامبیانی، ۱۳۷۸).

1- Show -Mackey

برخی از ناتوانی‌های ما در جلوگیری از ارتکاب جرم مربوط به عدم شناخت ما از رفتار مجرمانه است (کی‌نیا ۱۳۷۴)، در طی تحقیقات فراوان رابطه جرم با متغیرهای مختلفی چون وضعیت اقلیمی (گاروفالو^۱، ۱۹۸۸)، وضعیت اقتصادی (کتله^۲، ۱۹۹۱) و وضعیت جمعیت‌شناختی (لاکاسانی^۳، ۱۹۹۶) بررسی شده و هر کدام به‌نوبه خود بخشی از علت‌های ارتکاب جرم را تشریح کرده‌اند (نقل از حکمت، ۱۳۷۰).

یکی از این عوامل روان‌شناختی موثر بر ارتکاب جرم، تحول اخلاقی است. تحول اخلاقی در انسان به‌موازات تحول‌شناختی می‌باشد. در نظریه بزهکاری گلبرگ رفتار بزهکارانه با سطوح استدلال اخلاقی پائین مشخص می‌شود. از نظر او مجرمان افرادی هستند که در مراحل تحول اخلاقی پیش‌روی نکرده‌اند، اکثر تحقیقات بعدی انجام گرفته نیز این موضوع را تأیید کرده‌اند که افراد مجرم در مقایسه با افراد عادی از سطح تحول اخلاقی پائین‌تری برخوردارند (کدیور، ۱۳۸۱).

از نظر پیازه شناخت ارزش‌های اخلاقی، مثل هر شناخت دیگر از طریق تعامل فعال فرد با محیط خارج به‌دست می‌آید. او مفاهیم «به کار بستن قواعد» و «آگاهی از قواعد» را مطرح و در سیر تحولی اخلاق چهار مرحله «فقدان قوانین»، «خودمداری همراه با واقع‌گرایی اخلاقی»، «تکوین همکاری همراه با ابهام قواعد» و «نسبی‌گرایی اخلاقی همراه با تسلط بر قواعد» را ذکر می‌کند از دیدگاه او قضاوت‌های اخلاقی به معنای درک کودک از قوانین اخلاقی و عرف اجتماعی است (نقل از: جنیدی، ۱۳۷۸).

در پژوهشی که میرسلطانی (۱۳۸۳) بر روی بزهکاران شهر تبریز انجام داد به این نتیجه رسید که نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان عادی از تحول اخلاقی پائین‌تری برخوردارند. مطالعه فیلتون^۴ (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که افرادی که به هویت یکپارچه دست یافته‌اند در رویارویی با موقعیت‌ها واکنش‌های مسأله‌مدار و سنجیده از خود نشان می‌دهند.

در کنار بحث تحول اخلاقی نقش هویت فرد نیز در ارتکاب جرم غیرقابل انکار است.

1- Caro-Falo
3- Lacus sagne

2- Cotle
4- Filton

شناخت فرد از ماهیت وجودی خود، هویت فردی محسوب می‌شود، این شناخت اساسی‌ترین و مهم‌ترین مرحله رشد تلقی می‌گردد. از نظر اریکسون هویت یک سازه روانی اجتماعی است که شامل طرز فکر، عقاید فرد و نحوه ارتباط او با دیگران می‌شود (جوکار، حسین چاری، ۱۳۸۰). فرضیه او این است که بیشترین مشکلات رشدی طی دوره نوجوانی یعنی مرحله پنجم رشد روی می‌دهد. این مرحله هویت در برابر سردرگمی نقش به‌عنوان بحران هویت در نظر گرفته شده است. تجارب در این مرحله رشد می‌تواند به‌طور مستقیم بر مراحل بعدی زندگی اثر بگذارد. طی این مرحله رشد جستجوی حرفه، ارزش‌ها و باورها آغاز می‌شود. بر اساس نظریه اریکسون اگر هویت شخصی نوجوان در طی زمان و بر اساس حاصل از برخورد اجتماعی شکل گیرد و نوجوان بتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد تعادل روانی وی تضمین می‌شود، ولی اگر سرخورده‌گی و عدم اعتماد جایگزین اعتماد گردد و نوجوان به‌جای تماس با مردم، گوشه‌گیر و منزوی شود و به‌جای تحرک به رکود گراید و به‌جای خودآگاهی و تشکیل هویت مثبت دچار ابهام در نقش فرد شود هماهنگی و تعادل روانی وی به‌هم خورده و به بحران هویت می‌شود (فرجاد، ۱۳۷۱).

ماریسا در این راستا با الهام از مفاهیم نظریه اریکسون اظهار داشته که کسب هویت از لحاظ روانی راه سالمی به‌سوی خود وصفی است در حالی که پراکندگی هویت ناسازگارانه می‌باشد. وی هم‌چنین اشاره می‌کند افرادی که هویتی ضبطی پیدا می‌کنند ممکن است به فرقه‌ها و سایر گروه‌های افراطی و بزهکاری ملحق شوند و با چشم بسته راه و رسمی را بپذیرند که با گذشته آنها تفاوت دارد (اکبری و خداجوادی، ۱۳۸۸).

یکی از لازمه‌های اساسی برای جلوگیری از سردرگمی هویت و آشفتگی داشتن معنا در زندگی است. فرانکل اصلی‌ترین وجه شخصیت سالم را داشتن معنی قلمداد می‌کند. اگر شخصی معنایی را که در جستجوی آن است بیابد، آماده است تا برای آن رنج ببرد، فداکاری کند و حتی اگر لازم باشد جان خود را نیز بر سر آن بگذارد. در مقابل اگر معنایی وجود نداشته باشد، شخص تمایل به خودکشی دارد، حتی هنگامی که تمامی نیازهایش از تمامی جنبه‌ها نیز برآورده شود، باز هم آمادگی خودکشی در وی وجود دارد. جستجوی

معنی صفت مشخصه انسان است. معنی‌جویی حقیقتاً نیاز ویژه‌ای است که قابل تنزل به سطوح دیگر نیازها نیست و با درجه کم یا زیاد در تمامی انسان‌ها وجود دارد (نیاز به معنی از نیازهای دیگر مستقل است). معنی‌جویی نه تنها نمایانگر انسانیت بشر است، بلکه همان‌طور که کوچن بیان کرده معیاری مطمئن برای بهداشت روان نیز به‌شمار می‌رود (فرانکل، ۱۳۸۳).

فرانکل معتقد است که اگر افراد معنایی را تعقیب نکنند و هدفی را نداشته باشند احتمالاً به هر بیراهه‌ای منحرف خواهند شد چرا که انسان هدفمند بدون توجه به مسیرهای انحرافی جهت زندگی خود را تعیین می‌کند، تعالی نفس را تجربه می‌کند و با رضایت و آرامش روانی از زندگی خود بهره‌مند می‌گردد. (مالکی، ۱۳۸۶). تاکنون لوگوتراپی موفقیت خود را در انواع مختلفی از موقعیت‌های درمان نشان داده است: معنی‌درمانی برای درمان بزه‌کاران معتاد (لین^۱ و همکاران به نقل از تبریزی، ۱۳۸۳) بزه‌کاران الکلی (کرامباف ۱۹۷۰ نقل از تبریزی، ۱۳۸۳)؛ غلبه بر فوبی‌ها، سوگ‌ها، درمان بی‌خوابی‌ها و کمک به بیماران وسواس اجباری سودمند است.

مبانی نظری عمده‌ای که می‌توان به‌عنوان مبنای این پژوهش در نظر گرفت نظریه اریکسون و نظریه مارسیا است اگرچه در این زمینه نظریات مختلفی دیگری نظیر الگوی برزونسکی هم وجود دارد. اریکسون هویت را یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند و معتقد است فردی که مرحله پنجم تحول روانی - اجتماعی را به‌خوبی طی کرده باشد به‌وحدت هویت می‌رسد، ولی اگر به‌خوبی این مرحله را طی نکند به بحران هویت گرفتار می‌گردد (عبدی زرین و همکاران، ۱۳۸۸).

مارسیا^۲ (۱۹۹۶) مفهوم هویت من اریکسون را به‌عنوان پایگاه هویت، عملیاتی کرده است. پایگاه هویت نتیجه دوران بحران هویت است. مارسیا بر اساس دو ملاک بحران و تعهد، چهار نوع پایگاه هویت زودرس، تعلیقی، سردرگم و موفق را مشخص کرده است.

پس از آن مطالعات متعددی جهت کشف رابطه پایگاه‌های هویت و رفتارهای

1- Linn

2- Marcia

نابهنجار و بهنجار گروه‌های مختلف جمعیتی انجام یافته است. مارسیا با الهام از نظریه اریکسون به چهار نوع هویت دست یافته است (احدی، جمهری، ۱۳۷۷). الگوی برزونسکی^۱ بر آن دسته از فرایندهای اجتماعی-شناختی مبتنی است که در طی آن افراد براساس شیوه ترجیحی پردازش اطلاعات مربوط به خود، گفتگو درباره موضوعات مربوط به هویت و تصمیمات فردی، در درون وضعیت‌های متفاوت قرار می‌گیرند (دانشورپور و همکاران، ۱۳۸۶).

مبتنی بر این رویکردها و نتایج پژوهشی چنین به نظر می‌رسد که بررسی تأثیر تحول اخلاقی، سبک‌های هویتی و معنای زندگی در مواجهه با چالش‌های مربوط به ارتکاب جرم از اهمیت زیادی برخوردار هستند از این رو سوال اصلی پژوهش عبارت است: از اینکه آیا بین سبک هویتی، معنای زندگی و تحول اخلاقی در افراد مجرم و غیرمجرم تفاوت وجود دارد؟

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر مقایسه‌ای است که در آن به مقایسه وضعیت دو گروه از افراد پرداخته شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه زندانیان مجرم و پرونده‌دار ساکن در زندان مرکزی شهر تبریز بود. نمونه پژوهش ۶۲ نفر زندانی بود که به نمونه‌گیری هدفمند در دسترس انتخاب شدند. همچنین ۶۲ نفر از افراد بهنجار به‌عنوان افراد مورد مقایسه انتخاب شدند. در تحقیقات علی - مقایسه‌ای حجم نمونه ۳۰ نفر برای هر گروه کافی است (دلاور، ۱۳۸۹). ولی برای بالا بردن اعتبار بیرونی برای هر گروه ۶۲ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شد. پژوهش حاضر یک مطالعه مقایسه‌ای می‌باشد که در آن گروه‌های مورد مطالعه در متغیرهای تحول اخلاقی، سبک‌های هویتی و معنای زندگی، مورد مقایسه قرار گرفتند. در راستای اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه از ابزارهای زیر استفاده شد:

آزمون تحول اخلاقی «ما»^۲: این آزمودن در سال ۱۹۸۱ توسط ما به‌منظور اندازه‌گیری

1- Berzonsky

2- Ma

جهت‌گیری‌های نوع دوستی و قضاوت اخلاقی ساخته شده است. آزمون تحول اخلاقی «ما» از دو قسمت تشکیل شده است که قسمت اول آن میزان نوع دوستی و قسمت دوم آن میزان سطح تحول اخلاقی را می‌سنجد پایایی و ثبات درونی قسمت اول در بررسی‌های متعدد از ۰/۷۴ تا ۰/۸۴۱ متغیر بوده است. پایایی و ثبات درونی قسمت دوم این آزمون ۰/۶۴ بوده است. در این پژوهش از فرم ب که معادل فرم الف آن است استفاده خواهد شد لازم به ذکر است که فرم ب در سال ۱۹۸۲، ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ به‌عنوان ابزار سنجش جهت‌گیری اخلاقی به‌کار گرفته شده است و اعتبار و پایایی آن در تحقیق‌های یاد شده بیش از ۰/۷۵ بوده است.

پرسش‌نامه سبک‌های هویتی بنیون و آدما: پرسش‌نامه سنجش حالات هویت بنیون و آدما براساس نظریه اریکسون و مارسیا در مورد هویت، تدوین شده است. این پرسش‌نامه برای سنجش حالات هویت افرادی که در محدوده سنی ۱۴ الی ۵۶ سال قرار دارند مناسب است این پرسش‌نامه از ۶۴ آیتم تشکیل شده و شامل چهار خرده مقیاس می‌باشد. کارلسون (۱۹۸۶) همسانی درونی ۰/۶۹ برای خرده‌مقیاس هویت آشفته، ۰/۸۱ برای خرده مقیاس زود شکل گرفته، ۰/۶۶ برای خرده‌مقیاس هویت به تعویق افتاده و ۰/۸۶ برای هویت پیشرفت به‌دست آورد (بنیون و آدما، نقل از جوکار، ۱۳۸۰)

پرسش‌نامه معنی در زندگی: این پرسش‌نامه توسط ماهولیک و کرانباخ در سال (۱۹۶۴) تهیه شده است دارای ۲۰ آیتم می‌باشد که در مقیاس درجه‌ای تنظیم شده است و هر کدام از سوالات نشان‌گر حالات آزمودنی در زمان حال می‌باشند. در پژوهشی مالکی (۱۳۸۶) آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه معنی در زندگی را ۰/۹۱ به‌دست آورده است.

پس از جمع‌آوری اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از روش‌های آماری مناسب تحلیل گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آمار توصیفی و شاخص‌های گرایش مرکزی (میانگین و انحراف معیار) و برای آزمون فرضیه‌ها از روش تحلیل واریانس چندمتغیره و تحلیل تشخیصی استفاده شد.

یافته‌ها

جدول (۱) توصیف آماری نمرات متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک گروه

گروه	متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
غیرمجرم	هویت‌یابی	۱۴۳/۵	۱۲/۲
	معنای زندگی	۴۹/۸۱	۱۵/۶
	تحول اخلاقی	۰/۲۴	۰/۰۵
مجرم	هویت‌یابی	۱۳۸/۱	۱۵/۶
	معنای زندگی	۳۴/۲۳	۸/۸
	تحول اخلاقی	۰/۱۹	۰/۰۲

قبل از بررسی فرضیه تحقیق ابتدا مفروضه نرمال بودن توزیع متغیر بررسی گردید که نتایج نشان داد توزیع متغیرها در دو گروه نرمال می‌باشد.

جهت استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) از آزمون برابری ماتریس کواریانس باکس (BOX) استفاده گردید. نتایج این آزمون نشان داد ماتریس‌های واریانس-کواریانس متغیرها برابر بوده و باهم تفاوت معناداری ندارند.

جدول (۲) نتایج تحلیل واریانس چند متغیری

اثر	آزمون‌ها	ارزش	مقدار F	درجه آزادی اثر	درجه آزادی خطا	معناداری (P)
گروه	اثر پیلایی	۰/۵۵۶	۳۶/۰۶	۴	۱۱۵	۰/۰۰۱
	لامبدای ویلکز	۰/۴۴۴	۳۶/۰۶	۴	۱۱۵	۰/۰۰۱
	اثر هنتلینگ	۱/۲۵	۳۶/۰۶	۴	۱۱۵	۰/۰۰۱
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۱/۲۵	۳۶/۰۶	۴	۱۱۵	۰/۰۰۱

همانطور که جدول بالا نشان می‌دهد، نسبت F به دست آمده در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$) معنادار می‌باشد. در نتیجه دو گروه (مجرم و غیرمجرم) حداقل در یکی از متغیرهای وابسته با هم متفاوت بوده و تفاوت معناداری دارند.

جدول (۳) نتایج آزمون تحلیل واریانس یکراهه چندمتغیره

منبع تغییرات	متغیروابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معناداری
هویت‌یابی	۸۴۸/۰۰۸	۱	۸۴۸/۰۰۸	۴/۳	۰/۰۴	
معنای زندگی	۷۲۸۵/۲	۱	۷۲۸۵/۲	۴۵/۰۵	۰/۰۰۱	گروه
تحول اخلاقی	۰/۰۶۹	۱	۰/۰۶۹	۳۸/۰۲	۰/۰۰۱	
هویت‌یابی	۲۳۲۶۱/۹۸	۱۱۸	۱۹۷/۱۳			
معنای زندگی	۱۹۰۸۱/۷۱	۱۱۸	۱۶۱/۷			خطا
تحول اخلاقی	۰/۲۱۳	۱۱۸	۰/۰۰۲			

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود نتیجه آزمون تحلیل واریانس چند متغیری برای عملکرد خانواده، هویت‌یابی، معنای زندگی و تحول اخلاقی در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت معنای زندگی، تحول اخلاقی، و سبک‌های هویتی در افراد مجرم و غیرمجرم متفاوت است.

جدول (۴) ارزش ویژه و آزمون معناداری تابع تشخیص

همبستگی متعارف	ارزش ویژه	لامبدای ویلکز	خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۰/۷۴	۱/۲۵	۰/۴۴	۹۴/۲	۴	۰/۰۰۱

براساس نتایج مندرج در جدول (۴) همبستگی متعارف ۰/۷۴ می‌باشد. به عبارات دیگر ۵۴ درصد از واریانس متغیر وابسته دو گروه به وسیله تابع تشخیص (ترکیب خطی متغیرهای مستقل) تبیین می‌شود. معناداری لامبدای ویلکز حاکی از این بود که متغیرهای پیش‌بین گوه مجرم و غیر مجرم را از هم تفکیک می‌کند.

جدول (۵) ضرایب استاندارد شده و همبستگی‌های متغیرهای پیش‌بین تابع تشخیص

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب استاندارد	ضرایب همبستگی
تحول اخلاقی	۰/۸۰۷	۰/۵۰۷
معنای زندگی	۰/۸۰۱	۰/۵۵۲
هویت‌یابی	۰/۳۳۶	۰/۱۷

بر اساس ضرایب جدول فوق، تحول اخلاقی و معنای زندگی با تابع تشخیص بیشترین رابطه، با نمره هویت‌یابی کم‌ترین رابطه را نشان می‌دهد.

جدول (۶) نتایج طبقه‌بندی حاصل از تابع تشخیص

شاخص‌های اماری	موفق	گروه پیش‌بینی شده	
		غیرمجرم	مجرم
تعداد	غیرمجرم	۴۸	۱۲
	مجرم	۶	۵۴
درصد	غیرمجرم	۸۰	۲۰
	مجرم	۱۰	۹۰

۸۵ درصد همه موردها به درستی طبقه‌بندی شده‌اند.

نتایج جدول بالا نشان‌دهنده این است که تابع تشخیص ۸۵ درصد موردها را به درستی طبقه‌بندی کرده است. تابع تشخیص در پیش‌بینی گروه مجرم ۹۰٪ در مقایسه با افراد غیرمجرم ۸۰٪ تا اندازه‌ای بهتر عمل کرده است. پیش‌بین عضویت در یکی از دو گروه فقط بر اساس شانس و تصادف بهتر از ۵۰٪ نیست. دقت طبقه‌بندی به دست آمده ۸۵٪ به گونه معناداری بهتر از آن است. بنابراین روایی مدل را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و بحث

نتایج تحقیق حاضر نشان داد افراد مجرم نسبت به افراد عادی از سطح تحول اخلاقی پایین‌تری برخوردارند. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج میرسلطانی (۱۳۸۳)، محمداسماعیل (۱۳۸۴) و اکرمی (۱۳۷۱) همسو می‌باشد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج جنیدی (۱۳۷۸)، اسپرسیانس (۱۳۷۶) غیرهمسو می‌باشد. در پژوهشی که میرسلطانی (۱۳۸۳) بر روی بزهکاران شهر تبریز انجام داد به این نتیجه رسید که نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان عادی از تحول اخلاقی پایین‌تری برخوردارند. اکرمی (۱۳۷۱) در مطالعه خود نشان داد که بین قضاوت اخلاقی کودکان و نوجوانان بزهکار تفاوت معنی‌دار وجود دارد و کودکان و نوجوانان عادی از لحاظ درک اخلاقی در سطوح رشد یافته‌تری از مراحل

کلیبرگ قرار دارند. در حالی که جنیدی (۱۳۷۸) و اسپرسیانس (۱۳۷۶) به عدم تفاوت بزهکاری کلیبرگ رفتار بزهکارانه با سطوح استدلال اخلاقی پائین مشخص می‌شود. از نظر او مجرمان افرادی هستند که در مراحل تحول اخلاقی پیش‌روی نکرده‌اند (کدیور، ۱۳۸۱).

هم‌چنین نتایج نشان داد افراد مجرم نسبت به افراد عادی سبک‌های هویتی متفاوتی دارند. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق ماریسا، واترمن، ماتسون، آرچر و اورلوفسکی (۱۹۹۳)، وایت، وامپلر و وین^۱ (۱۹۹۸) همسو می‌باشد. هویت موفق به‌عنوان شاخص برخورداری از شخصیت شکوفا و تحول یافته دارای بالاترین ارزش روان‌شناختی و هویت پراکنده به‌منزله عدم توفیق در انتقال از نوجوانی به بزرگسالی از کمترین ارزش روان‌شناختی برخوردار است (رحیمی‌نژاد و منصور، ۱۳۸۰). طبق نظر ماریسا، واترمن، ماتسون، آرچر و اورلوفسکی (۱۹۹۳)، اشخاصی که در پایگاه هویت موفق به‌سر می‌برند، بحران را تجربه کرده، آن را به‌طور موفقیت‌آمیزی حل کرده‌اند و هدف‌های منتخب خود را دنبال می‌کنند؛ افراد دارای هویت تحمیل شده از بحران عبور نکرده‌اند، اما هدف‌هایی را دنبال می‌کنند که به‌وسیله والدین یا اجتماع برای آنها گزینش شده‌اند (مارسیا و دیگران، ۱۹۹۳، به نقل از جوکار و حسین چاری، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر نتایج تحقیق حاضر نشان داد افراد مجرم نسبت به افراد عادی معنای کمتری را در زندگی خود احساس می‌کنند. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج لین و همکاران (به نقل از تبریزی، ۱۳۸۳). همسو می‌باشد. فرانکل معتقد است که اگر افراد معنایی را تعقیب نکنند و هدفی را نداشته باشند احتمالاً به هر بیراهه‌ای منحرف خواهند شد چرا که انسان هدفمند بدون توجه به مسیرهای انحرافی جهت زندگی خود را تعیین می‌کند، تعالی نفس را تجربه می‌کند و با رضایت و آرامش روانی از زندگی خود بهره‌مند می‌گردد (مالکی، ۱۳۸۶).

به‌طور کلی نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای تحول اخلاقی، سبک‌های هویتی، و معنای زندگی به‌طور معنی‌داری ارتکاب جرم را در افراد پیش‌بینی می‌کنند. این یافته با نتایج میرسلطانی (۱۳۸۳)، محمد اسماعیل (۱۳۸۴) و اکرمی (۱۳۷۱) همسو می‌باشد.

1- White, Wampler & Winn

نتیجه تحقیق حاضر با نتایج جنیدی (۱۳۷۸)، اسیرسیانس (۱۳۷۶) غیرهمسو می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق مارسیا، واترمن، ماتسون، آرچر و اورلوفسکی (۱۹۹۳)، وایت، وامپلر و وین (۱۹۹۸)، لین و همکاران (به نقل از تبریزی، ۱۳۸۳)، شعاری‌نژاد (۱۳۷۷)، تایلر، هویت و وایت بک^۱ (۲۰۰۰) همسو می‌باشد.

همان‌طور که نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات متعدد نشان داده‌اند تحول اخلاقی، هویت‌یابی و معنای زندگی افراد مجرم با افراد غیرمجرم متفاوت است و این نشان‌دهنده نقش ساختار تربیتی و هویتی خانواده در شکل‌گیری شخصیت فرزندان می‌باشد. بنابراین انسجام هویتی افراد در ارتکاب جرم نقش خود را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود به‌منظور پیشگیری از ارتکاب جرم از دوره نوجوانی در جهت جلوگیری از سردرگمی هویت و مشکلات هویتی دوره‌های آموزشی برای نوجوانان برگزار شود. مهارت‌های اخلاقی و معنایابی افراد ارتقاء داده شود و برای این منظور دوره‌های آموزشی و کتابچه‌های آموزشی در اختیار افراد قرار گیرد. به مسئولان زندان تبریز پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آموزشی برای زندانیان موضوعاتی نظیر رشد اخلاقی، افزایش معنا در زندگی و هویت‌یابی را آموزش دهند.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۲۷

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۲۴

1- Tyler, Hoyt & Whitbeck

منابع

- احدی، حسن؛ جمهری، فرهاد (۱۳۷۷). روان‌شناسی رشد، انتشارات بنیاد.
- اسیر سیانس، روبرت (۱۳۷۶). بررسی رابطه ادراک خود، قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی در نوجوانان عادی و بزهکار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- اکبری زردخانه و خداجواد (۱۳۸۸). رابطه پایگاه هویت و روابط ولی فرزندی در زنان معتاد، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال پنجم/شماره ۱۹، صص ۳۷۱-۳۸۵.
- اکرمی، ناهید (۱۳۷۱). مقایسه تحول قضاوت اخلاقی در کودکان و نوجوانان بزهکار و بهنجار و بررسی تأثیر شرایط خانوادگی بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- برگ، لورای (۱۳۸۳). روان‌شناسی رشد، ترجمه یحیی سیدمحمدی، نشر ارسباران.
- پالانگ، حسن؛ وکیل‌زاده، سیدبهاء‌الدین؛ دریس، فاطمه (۱۳۸۱). بررسی فراوانی اختلال‌های شخصیت در مجرمین مرد زندانی در زندان شهرکرد (۱۳۷۹-۱۳۸۰). مجله اندیشه و رفتار، سال هشتم، شماره ۳.
- جنیدی، سیما (۱۳۷۸). بررسی رابطه قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی در دختران نوجوان عادی و دختران نوجوان بزهکار ۱۴-۱۷ ساله تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جوکار، بهرام و حسین چاری، مسعود (۱۳۸۰). بررسی رابطه میزان پای‌بندی به اعمال عبادی و سبک هویت، چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان.
- حکمت، سعید (۱۳۷۰). روان‌پزشکی کیفری، انتشارات گوتنبرگ.
- شامبیانی، هوشنگ (۱۳۷۸). بزهکاری اطفال و نوجوانان (چاپ هشتم)، تهران: انتشارات ژوبین.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۷). روان‌شناسی رشد، چاپ دانشگاه پیام نور.
- دانشورپور، زهره؛ غنایی، زیبا؛ شکر، امید؛ زین‌آبادی، حسن‌رضا (۱۳۸۶). پیش‌بینی صمیمیت اجتماعی براساس سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت، فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، سال ۲، شماره ۷، صفحات ۵۵-۸۵.
- دلاور، علی (۱۳۸۹). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.
- فرانکل، ویکتور امیل (۱۹۷۷). فریاد ناشنیده برای معنی، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی‌نیا، ۱۳۸۳. تهران: فراروان.

- کدیور، پروین (۱۳۸۱). روان‌شناسی اخلاق، انتشارات آگاه.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۱). روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنائی، نشر اشراق.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۶). روان‌شناسی جنایی، انتشارات رشد.
- مالکی، کفایت (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین معنی زندگی و راهبردهای مقابله‌ای با احساس شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان‌نامه، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- محمداسماعیل، الهه (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه رشد اخلاقی نوجوانان عادی و دارای اختلال سلوک، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۵(۱) ۱۶-۱۹.
- میرزا احمدی، نادر (۱۳۷۹). بررسی علل و عوامل بزهکاری نوجوانان و جوانان بین زندانیان و غیرزندانان شهرستان تبریز، پایان‌نامه کارشناسی مددکاری اجتماعی گروه علوم پزشکی.
- میرسلطانی، میریاقر (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه تحول اخلاقی نوجوانان بزه کار با نوجوانان عادی پسر و دختر، پایان‌نامه، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- Filton, H. (2001). Coping styles and Identity development in stage of life, *Sornal of personality and social psychology*, 5, 34-43.
- Marcia, J.E. (1998). *Identity and intervention*, *Journal of adolescence*, 12, 401-410.
- Tyler, K.A., Hoyt, D.R. & Whitbeck, L.B. (2000). The effects of early sexual abuse later sexual victimization among female homeless and runaway adolescents, *Journal of interpersonal violence*, 15, 235-250.
- White, J.M., Wampler, R.S., & Winn, K.I. (1998). The Identity Style Inventory: A revision with a sixth grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13(2), 223-245.